

انسجام متنی سوره‌های شمس و لیل

بر پایه فرایند حلقه‌های معنایی*

□ اباذر کافی موسوی^۱

چکیده

تک‌تک واژگان و جملات کلام فصیح به صورت هدفمند و منطقی‌پذیر، گزینش و چینش شده‌اند. از آنجا که قرآن، فصیح‌ترین سخن است، محققان قرآنی در پی کشف نحوه ارتباط و حکمت چینش آیات قرآنی بوده‌اند. فرایند «حلقه‌های معنایی» نیز در همین راستا تعریف شده تا بتواند فهم ساده‌ای از چگونگی ارتباط آیات سوره‌های قرآنی ارائه دهد. بر پایه این فرایند نوپا، محتوای هر سوره به حیطه‌های معنایی متعددی تقسیم شده و نحوه ارتباط بین این حلقه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این نوشتار، فرایند «حلقه‌های معنایی» به روش توصیفی - تحلیلی بر دو سوره شمس و لیل تطبیق داده شده تا پاسخی برای این پرسش بیابد که کاربست فرایند حلقه‌های معنایی، چگونه موجب کشف انسجام متنی سوره‌های شمس و لیل می‌شود؟ در نهایت، این نتیجه به دست می‌آید که در هر یک از این دو سوره، یک حلقه معنایی مرکزی وجود دارد که بقیه حلقه‌ها

با روش‌های مختلف بیانی در جهت اثبات و یا باورپذیری و درک بهتر آن معنای محوری چینش شده‌اند.

واژگان کلیدی: انسجام متنی، سوره شمس، سوره لیل، فرایند حلقه‌های

معنایی.

۱. مقدمه

۱-۱. تعریف مسئله

لازمه یک گفتار بلیغ و اثرگذار این است که پیوستگی و انسجام کاملی بین اجزاء سخن برقرار باشد (سیوطی، ۱۳۶۳: ۲/۲۹۰). بنابراین کاربست کلمات و جملات غیر مرتبط، زینده کلام بلیغ نیست و منشأ ابهام و نقص در انتقال پیام خواهد شد. بر همین اساس، برخی مستشرقان شبهات و ایراداتی مبنی بر ساختارگریزی و عدم انسجام متن قرآن (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۳۰) و دشوار و پرزحمت بودن فهم قرآن (زمانی و قانعی اردکانی، ۱۳۹۱: ۶۲) وارد نمودند و این امر موجب شد تا قرآن‌پژوهان اسلامی با حساسیت و جدیت بیشتری به این مباحث ورود نمایند و مباحثی چون ساختاریابی و انسجام محتوایی آیات را مورد بازنگری قرار دهند. در این بین، برخی محققان به تبیین انسجام آیات سوره اقسام پرداختند و تلاش‌های مثبتی در چگونگی ارتباط آیات قسم انجام گرفت. لیکن بیشتر آنان با تکیه بر دیدگاه «تأکید بودن قسم‌ها» در جست‌وجوی کشف ارتباطات بیناآیه‌ای بودند؛ در صورتی که این دیدگاه، قائل به تعظیم و شرافت موارد سوگند است و در واقع، منکر ارتباط بین واژگان سوگند است (ر.ک: حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۵/۱۵).

به نظر می‌رسد برای دستیابی به انسجام ساختاری سوره‌های قسم، لازم است محققان بر پایه دیدگاه جدید «استدلالی بودن قسم‌ها»، بحث را دنبال کنند. مطابق این دیدگاه، قسم‌های الهی در راستای اثبات و تبیین جواب قسم چینش شده و به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که تداعی‌گر تصویری تمثیل‌گونه و باورپذیر برای اثبات مضمون جواب قسم باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰/۲۳۷؛ فراهی، ۱۳۴۹: ۳۷؛ بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۶۶). برای رسیدن به این تصویر برهانی، گاه لازم می‌آید که واژگان قسم را بر معنای مجازی آن حمل نماییم و یا آن را نمادی برای تصویرگری یک معنا یا حالتی در نظر بگیریم. برای رسیدن به این

مقصود حتماً باید بافت و سیاق آیات را لحاظ نمود و قراین و شواهد موجود در متن را در نظر گرفت. برای مثال، دانشمندان علم بیان، معانی استعاری متعددی را بسته به جایگاه و قرائن موجود در کلام، برای زمان‌های شب، صبح و روز مطرح کرده‌اند (ر.ک: نظری و موسوی بفرولی، ۱۳۹۹: ۳۵). گاه لازم می‌آید که واژه «شب» را متناسب با ظلمت و تاریکی آن، بر معنای ظلم و فساد حمل نمود و گاه آن را نماد گناهان و یا نمادی برای رفتار و صفتی ناشایست در نظر گرفت؛ همان گونه که بسیاری از محققان در تفاسیر خود به معنای مجازی این واژگان متمایل شده‌اند (ر.ک: بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۶۵؛ خطیب، بی‌تا: ۱۵۹۱/۱۶). در تحقیق حاضر، سعی بر آن بوده تا با همین نگاه به تفسیر موارد سوگند پرداخته شود و برای دوری از آسیب‌های فراوان، بر لغت و بافت همان سوره تکیه شده است.

نکته قابل تأمل دیگری که در مطالعات پیرامون انسجام ساختاری و محتوایی سوره‌های قرآنی به نظر می‌رسد، این است که تحقیقات جدید غالباً بر اساس دیدگاه‌های نظریه‌پردازان عرصه زبان‌شناختی نوین بنا شده است. این رویکرد از آن جهت نیازمند تأمل است که زبان و هدف قرآن، با اسلوب کلام بشری و یا علمی متمایز است و قابل تطبیق بر بسیاری از نظریه‌های موجود زبان‌شناختی نیست. مهم‌تر آنکه این نظریات هنوز در حد فرضیه باقی مانده‌اند و برای اثباتشان زمانی طولانی نیاز است. به بیانی دیگر، نباید فراموش کنیم که قرآن کتاب هدایت است و سعی بر آن دارد تا با تحریک عقلانیت و تشویق به تفکر، انسان را در مسیر هدایت قرار دهد؛ هرچند برای دستیابی به این مقصود از ابزار و شیوه‌های بیانی همچون تجسیم، تمثیل، تصویرگری و دیگر صنایع بیانی بهره برده و کلام خود را به اقسام ظرافت‌های هنری و موسیقایی تزیین نموده است؛ لیکن سخن این است که افراط و محو شدن در برخی از این دیدگاه‌ها باعث نشود که تلاش اصلی محقق در جهت اثبات و تطبیق آیات قرآن بر محور این فرضیه‌های زبان‌شناختی باشد. همان گونه که در دوره‌های مختلف شاهد رفتار افراطی برخی محققان بوده‌ایم؛ همچون ابوحامد غزالی که قرآن را مشتمل بر تمامی علوم گذشتگان و آیندگان می‌دانست (مطوری، ۱۳۷۵) و یا همچون طنطاوی که معتقد به علمی بودن بسیاری از آیات قرآن بود و با استشهاد به گفتار دانشمندان غربی و گنجاندن تصاویر، جداول و مناظر طبیعی و گیاهان و حیوانات سعی داشت فرضیه‌های علمی را بر آیات قرآن تطبیق دهد (همان) و یا

تلاش رشاد خلیفه و دیگران مبنی بر اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن که گاه از مسیر تعادل خارج گردید (کریمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

این جستار با در نظر گرفتن همین آسیب‌ها، در پی آن است تا با برابندی از دیدگاه‌های متفاوت زبان‌شناسی، دیدگاهی نو را برای کشف انسجام متنی و معنایی سور قرآنی بیان نماید. این دیدگاه بر این باور است که هر سوره، شامل حلقه‌های معنایی متعددی است که با یکدیگر مرتبط بوده و معنای واحدی را دنبال می‌کنند. البته تعمد خاصی بر عنوان «حلقه» نیست و می‌توان واژگان قلمرو، حیظه، خوشه، دایره، محدوده، گستره و یا هر نام دیگری را برای آن برگزید. داخل هر حلقه (دایره)، آیاتی از سوره قرار می‌گیرد که بینشان قرابت و یا اتصال معنایی آشکاری مشاهده شود. پس از تفکیک این حلقه‌های معنایی باید در جستجوی محور اصلی و نوع ارتباط بین این دوایر باشیم تا یک ارتباط منطقی و قابل قبول به دست آید. برای تشریح بهتر، این دیدگاه را بر دو سوره شمس و لیل تطبیق داده‌ایم.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

انتظار می‌رود که در نهایت به پاسخی مناسب برای پرسش‌های زیر برسیم:

۱- فرایند حلقه‌ها یا حیظه‌های معنایی چیست؟

۲- انسجام متنی آیات دو سوره شمس و لیل بر اساس فرایند حلقه‌های معنایی چگونه است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، آیات این دو سوره بر مبنای نظریه «قسم‌های استدلالی»، تفسیر و ترجمه می‌شود و سپس مراحل فرایند انسجام‌یابی این دو سوره به صورت گام‌به‌گام انجام می‌شود.

۳-۱. پیشینه پژوهش

درباره بررسی انسجام ساختار و محتوای سوره‌های شمس و لیل، علاوه بر مطالبی که در تفاسیر جامع در ذیل آیات آن‌ها آمده است، آثاری نیز در قالب مقاله یافت می‌شود؛ مانند: مقاله «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش‌گفتاری جان سرل» (دسترنج و ذوالفقاری، ۱۳۹۹) که با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظریه کنش‌گفتاری جان سرل و با توجه به بافت سوره شمس، به دنبال یافتن نسبت به کارگیری کنش‌های گفتاری در

این سوره است. همان گونه که مقاله «گفتمان کاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف» (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۷) با محوریت نظریه فرکلاف به بررسی این سوره می‌پردازد تا گفتمان سوره شمس را در محور مقاومتی با گفتمان‌های موجود سطح جامعه مقایسه نماید. البته این دو اثر، مشابهت و همپوشانی با محتوای نوشته حاضر ندارند. مقالات مربوط به سوره لیل نیز غالباً به همین شیوه ارائه شده‌اند و نویسندگان این آثار تلاش می‌کنند تا دیدگاه‌های نظریه‌پردازان عرصه زبان‌شناسی جدید را بر محتوای سوره‌های قرآنی تطبیق دهند؛ همانند مقاله‌ای با عنوان «تناسب ساختار با محتوا با توجه به دو نظریه "نظم" و "آشنایی‌زدایی" (به محوریت سوره مبارکه "لیل")» (مقیاسی و فرجی، ۱۳۹۵) که با نگاهی زیبایی‌شناختی، سوره لیل را با محوریت دو نظریه «نظم» و «آشنایی‌زدایی» مورد مطالعه قرار داده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «تحلیل انسجام غیر ساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا» (امرائی، ۱۳۹۸) با اتکا به نظریه نظام‌مند نقش‌گرای دستوری هالیدی، در جست‌وجوی عوامل انسجام آیات سوره لیل می‌باشد. آنچه با مطالعه این آثار به نظر می‌رسد این است که این نویسندگان ابتدا آن نظریه زبان‌شناختی را پذیرفته و بدون در نظر گرفتن زبان خاص قرآن و به ویژه بیانات تمثیلی و مجازی آن، سعی دارند تا محتوای آن نظریه را بر این سوره‌ها تطبیق دهند. در صورتی که اکثر این نظریات بر اساس سبک نوشتار علمی و یا عامیانه و یا نظم ادبی تدوین شده و شاید قابلیت تطبیق بر کلام الهی را نداشته باشند. در هر صورت، نوشته‌ای که ما را قانع کند تا از ارائه تحقیق حاضر منصرف شویم، یافت نشد و در مورد اصل نظریه «حلقه‌های معنایی» نیز که دیدگاهی نو و ابداعی است، هیچ مطلبی به دست نیامد.

۲. تناسب معنایی سوره‌ها بر مبنای حلقه‌های معنایی

پس از مطالعات فراوان بر روی ساختار سوره‌های قرآنی به نظر می‌رسد هر سوره، از قلمروهای معنایی متفاوتی تشکیل شده است که در این تحقیق از اصطلاح «حلقه‌های معنایی» برای معرفی آن استفاده شده است. در هر یک از این حلقه‌ها، آیاتی قرار می‌گیرند که مضمون و هدف واحدی را دنبال می‌کنند و یک ارتباط معنایی با دیگر آیات آن حلقه دارند. این آیات الزاماً در پی هم نیستند و ممکن است آیات پراکنده‌ای

از یک سوره را که بیانگر حیطه معنایی واحدی هستند، در یک حلقه معنایی جای دهیم. در بعضی از سوره‌ها ممکن است یک حلقه، شامل حلقه‌های متعدد معنایی باشد؛ به گونه‌ای که این دوایر کوچک معنایی در راستای بیان و یا اثبات معنایی باشند که آن معنا را حلقه وسیع‌تری در بر می‌گیرد. البته در اکثر سوره‌ها و حتی سوره‌های بلند قرآنی، یک یا دو آیه به عنوان حلقه اصلی و محوری سوره قرار می‌گیرد و بقیه حلقه‌های شکل‌گرفته پیرامون آن با هدف اثبات و یا تبیین همان محتوای مرکزی چینش شده‌اند؛ مثلاً محتوای سوره لیل برای اثبات معنای «تلاش دوگانه انسان‌ها» از دو حلقه معنایی متضاد استفاده کرده که یکی از آن‌ها انسان‌های بخیل و دیگری انسان‌های بخشنده را توصیف کرده است. علاوه بر این، حلقه قسم‌های قرآنی با بیان تمایز آشکار شب و روز و آسمان و زمین و نوع رفتار دوگانه آن‌ها، در پی اثبات و عمق‌بخشی به حلقه معنایی مرکزی است.

نکته مهم در تفکیک این حلقه‌ها این است که سعی کنیم در هر حلقه، بیشترین آیات مرتبط را جای دهیم تا کمترین تعداد دوایر معنایی را داشته باشیم؛ چون تعددبخشی به آن، انسجام‌یابی را دشوار می‌سازد. البته واضح است که تفاوت بافت هر سوره اقتضا می‌کند که دوایر هر سوره، متمایز از دیگر سوره‌ها و متناسب با ساختار همان سوره تعریف شود. بنابراین وحدت رویه‌ای در تعداد و یا نحوه آرایش این دوایر نمی‌توان یافت.

در ادامه، این دیدگاه نوپای را بر دو سوره شمس و لیل تطبیق خواهیم داد تا به صورت گام‌به‌گام با مراحل آن آشنا شویم. با توجه به قسم‌های ابتدای این دو سوره برای برقراری تناسب و ارتباطات معنایی بین آیه‌های این دو سوره، بر پایه «دیدگاه استدلالی» بودن قسم‌های قرآنی، در جستجوی مناسب‌ترین معنا برای این سوگندها بوده‌ایم؛ معنایی که با انتخاب آن بتوان رابطه‌ای منطقی و قابل قبول بین آیات قسم و محتوای سوره برقرار نمود. طبیعی است که برای رسیدن به این تناسب منطقی، گاه لازم است معنای ثانوی و مجازی را برای این واژگان در نظر بگیریم و گاه معنا را بر همان معنای اولیه و حقیقی لفظ حمل نماییم. البته انتخاب معنای مجازی باید بر اساس شواهد و قرائن موجود در بافت و سیاق سوره باشد (توحیدی و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

۳. تناسب معنایی سوره شمس بر پایه حلقه‌های معنایی

سوره شمس با هشت آیه قسم شروع می‌شود و به خصوصیات از خورشید، ماه، روز، شب، آسمان، زمین و نفس انسان اشاره دارد و در دو آیه نهم و دهم، به معرفی نفس انسان و الهام خوبی‌ها و بدی‌ها به نفس پرداخته و می‌فرماید: تزکیه و تقوا باعث تجلی نفس، و فجور و بدی‌ها سبب نابودی نفس انسان می‌شود. در پایان سوره نیز کشتن ناقه صالح نبی را علت عذاب و نابودی قوم ثمود بیان کرده است. برای یافتن حلقه‌های معنایی آیات این سوره، ابتدا مروری خواهیم داشت بر محتوای معنایی این آیات تا بتوانیم معانی مرتبط با یکدیگر را کشف و در دایره معنایی واحدی قرار دهیم.

۳-۱. حلقه معنایی اول سوره شمس

خداوند در اولین آیه سوره شمس، به خورشید و گسترش و انتشار نور آن (فراهدی، ۱۴۰۹: ۲۶۵/۳) قسم یاد نموده است: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ (شمس / ۱). این سوگند، ذهن مخاطب را متوجه خورشیدی نموده که یک کره نورانی و درخشانده است. سپس ماه را تالی و تابع خورشید می‌داند که با رفتن خورشید ظاهر می‌شود: ﴿وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَّيَهَا﴾ (شمس / ۲). در ادامه، یادآور زمان روز می‌شود که آشکارکننده و تجلی‌بخش خورشید است: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰهَا﴾ (شمس / ۳)؛ اما شب را پوشاننده و مخفی‌کننده خورشید معرفی می‌کند: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ (شمس / ۴). تمامی ضمائر مفرد مؤنث (ها) در این چهار آیه به خورشید (شمس) ارجاع داده شده (نحاس، ۱۴۲۱: ۱۴۵/۵) و یک اتصال معنایی بین این چهار آیه برقرار کرده است و ما این آیات را در یک دایره معنایی قرار می‌دهیم. معنای اجزاء این حلقه، وابسته به خورشید است و خورشید در محور و مرکز این دایره جای دارد.

حلقه معنایی اول: مضمون ۴ آیه اول سوره شمس

گسترش و انتشار نور خورشید
کره ماه، تالی و تابع خورشید
روز، آشکارکننده و تجلی‌بخش خورشید
شب، پوشاننده و مخفی‌کننده خورشید

همه ما می‌دانیم که این بود و نبود خورشید است که شب و روز را ایجاد می‌کند. ولی در این دو آیه، بر خلاف این تصور علمی سخن گفته و روز را آشکارکننده و شب را مخفی‌کننده خورشید قلمداد کرده است. همین امر موجب شده تا توجیحات متعددی در تبیین این آیات ارائه شود و مفسران تلاش کرده‌اند به واسطه اصلاح مرجع ضمیر «ها» و ارجاع آن به الفاظ محذوفی چون ظلمت، دنیا، زمین و دیگر موارد، این اشکال را مرتفع نمایند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۵۸/۴؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۷۵/۳۱). برخی نیز بر بعید بودن این تأویلات تصریح دارند (نحاس، ۱۴۲۱: ۱۴۵/۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۷/۲۰) و در صدد حمل کلام بر مجاز عقلی هستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۵/۳۰)؛ در صورتی که در ادامه این نوشتار، سمت و سوی واقعی کلام آشکار خواهد شد و دیگر نیازی به این توجیحات نیست.

۲-۳. حلقه معنایی دوم سوره شمس

خداوند در ادامه آیات قسم، متذکر دو عرصه زمین و آسمان می‌شود. سوگند به آسمان و آنچه آسمان را بنا کرده: ﴿وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَيْهَا﴾ (شمس / ۵) و سوگند به زمین و آنچه زمین را گسترانده است: ﴿وَالْأَرْضِ وَمَا طَحْيَهَا﴾ (شمس / ۶). واژه «بنی» به معنای ضمیمه نمودن مواد و اجزاء برای ایجاد یک هیئت مخصوص است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۴۵/۱) و شاید این آیه به ضمیمه شدن کُرَات، ستارگان و همه اجسام موجود در فضا اشاره دارد که در نهایت اعتدال و نظم در آسمان معلق هستند و به مجموع این‌ها آسمان اطلاق می‌شود. واژه «طحی» نیز به معنای بسط و گسترش یافتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۷) و شاید مقصود، همان کوه‌ها و دشت‌ها و آب‌های جاری و دیگر قسمت‌های زمین باشد که علی‌رغم تفاوت نوع و شکلشان، در کنار هم قرار گرفته و زمین را شکل داده‌اند (حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۹/۱۵).

بر این اساس، مضمون دو آیه بیانگر خلقت آسمان و زمینی است که در نهایت تناسب و اعتدال آفریده شده‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۷۶/۳۱) و خداوند حکیم، ستارگان و سیارات و کهکشان‌ها را برای آسمان، و کوه و صحرا و دریا و درختان را برای گسترش زمین خلق نموده است (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۳۹۱۷/۶). این دو آیه در تقابل معنایی با یکدیگر قرار گرفته و یک حلقه معنایی جدید را تشکیل می‌دهند.

حلقه معنایی دوم: مضمون آیات ۵ و ۶ سوره شمس

آسمان و آنچه آسمان را بنا کرده.
زمین و آنچه زمین را گسترانده.

البته از آنجا که مفسران در تفسیر این دو آیه نیز در جست‌وجوی وجه تعظیم برای ایجاد شأنیت قسم بوده‌اند، «ما»ی موصوله را که معمولاً برای اشیاء و موجود غیر عاقل به کار می‌رود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۸۴/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳/۲۷)، بر ذات باری تعالی حمل نموده‌اند و این استثناء در کلام را دلیل تعظیم بیشتر سخن می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۸/۲۰؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۷۶/۳۱). لیکن بر اساس قسم‌های استدلالی باید به دنبال ارتباط مضمون این آیات با جواب قسم و محتوای سوره باشیم و کلام الهی را بر طبق همان معانی الفاظ مذکور تفسیر نماییم؛ مگر آنکه دلیل محکمی بر تقدیر لفظی داشته باشیم. بر همین مبنا به نظر می‌رسد تقابل دو عرصه آسمان و زمین و هر آنچه در آنهاست، صورتگر دو جایگاه متمایز کمال و انحطاط نفس باشد (خطیب، بی‌تا: ۱۵۸۵/۱۶).

۳-۳. حلقه معنایی سوم سوره شمس

در آیه هفتم، خداوند به نفس و هر آنچه موجب انسجام و اعتدال (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۲/۳) آن است، سوگند یاد می‌کند: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْتَهَا﴾ (شمس / ۷). حد وسط خوبی‌ها و بدی‌ها شاید همان فطرت پاکی باشد که هر نفسی بر اساس آن خلق می‌شود و هیچ انحرافی در آن نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۸/۲۰؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۳۹۹/۸). این نفس خلق شده بر اساس فطرت، نه شایسته عذاب است و نه پاداش (حقی بروسوی، بی‌تا: ۴۴۳/۱۰). پس از استقرار و اعتدال نفس، تمامی اسباب خوبی‌ها و بدی‌ها و راه‌های رسیدن به خیر و شر بر این نفس الهام شد: ﴿قَالَهُمَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس / ۸). «الهام» به معنای قرار گرفتن چیزی به صورت دفعی بر نفس انسان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۸) و اشاره به ایجاد علم و آگاهی‌های ضروری و وجدانی و بدیهی در نفس انسان دارد که بدون تعلیم و تجربه و تفکر بر نفس وارد می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۶/۳۰). این آیات را که بیانگر نفس و ویژگی‌های آن است، در دایره معنایی جدیدی قرار می‌دهیم.

حلقه معنایی سوم: مضمون آیات ۷ و ۸ سوره شمس

نفس

و هر آنچه نفس را به تعادل رساند.
خداوند راه‌های رسیدن به بدی‌ها و
خوبی‌های نفس را بر نفس الهام کرد.

۴-۳. حلقه معنایی چهارم سوره شمس

خداوند پس از اتمام قسم‌ها، در دو آیه به بیان جواب پرداخته (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۸/۲۰)، می‌فرماید: هر انسانی که نفس تعادل‌یافته خویش را در مسیر تزکیه قرار داد، قطعاً رستگار شد: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا﴾ (شمس/ ۹) و هر کس نفس را با تاریکی گناه و فجور همراه نمود، نومید و محروم (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۵۶/۳) گشت: ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا﴾ (شمس/ ۱۰). واژه «خاب» به معنای محروم شدن و به نتیجه نرسیدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۶۸/۱) و «دس» به معنای پوشاندن و مخفی نمودن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۵۶/۲) که با واژه «یغشی» مشابهت معنایی دارد. این دو آیه را که جواب قسم و بیانگر معنای محوری سوره هستند، در دایره دیگری قرار داده و آن را به عنوان «حلقه معنایی مرکزی» می‌شناسیم.

حلقه معنایی چهارم: مضمون آیات ۹ و ۱۰ سوره شمس

رستگار شد کسی که نفس را تزکیه کرد.
محروم شد کسی که نفس را مخفی کرد.

۵-۳. ارتباط حلقه‌های معنایی اول تا چهارم

اکنون که ۱۰ آیه ابتدای سوره شمس را در چهار حلقه معنایی جای دادیم، وقت آن است که دقیق‌تر به محتوای این آیات و نحوه ارتباط آن‌ها بپردازیم. در هر یک از این حلقه‌ها، الفاظ متضادی جای گرفته‌اند که بیانگر دو حالت و دو گونه رفتار متمایزند. در حلقه اول، خورشید در مرکز این دایره جای دارد و حالات ماه، روز و شب نسبت به آن سنجیده شده است و در حلقه دوم، از آسمان و زمین و هر آنچه در آن‌هاست،

صحبت شده و در سومین حلقه، نفس در محور دایره قرار گرفته و خصوصیات همچون اعتدال و الهام خوبی‌ها و بدی‌ها بر نفس بیان شده است. همچنین تأثیر تزکیه و مخفی نمودن نفس در چهارمین حلقه آمده است.

از مقایسه محتوای این حلقه‌ها و مقابله محتوای آن‌ها، مطالب زیر به دست می‌آید:

■ همان‌گونه که شب و روز وجود دارند، بدی‌ها و خوبی‌ها نیز وجود دارند و خداوند نفس را با همه خوبی‌ها و بدی‌ها آشنا نمود.

■ همان‌گونه که روز تجلی‌بخش خورشید است، خوبی‌ها نیز تزکیه‌کننده نفس‌اند.

■ همان‌گونه که شب مخفی‌کننده خورشید است، بدی‌ها نیز اعتدال نفس را در

خود دفن می‌کنند.

■ همان‌گونه که خورشید همراه نور آفریده شده، نفس نیز در حالت اعتدال خلق

شده است.

■ همان‌گونه که با رفتن خورشید، ماه ظاهر می‌شود، با گرایش نفس به فجور،

نورانیت نفس از بین می‌رود.

■ همان‌گونه که خداوند آسمان و هر آنچه را که ایجادکننده آن است، خلق نمود،

تمامی عوامل کمال را در نفس الهام نمود.

■ همان‌گونه که خداوند زمین و هر آنچه را که موجب گسترش آن است، خلق

نمود، تمامی فجور و عوامل پستی را در نفس قرار داد.

می‌توان این معانی را در قالب اصطلاح علم بیان و زبان‌شناسی قرار داده و گفت:

● خورشید نورانی، نمادی است از نفس تعادل‌یافته.

● گره ماه که از پی خورشید می‌آید، نماد نفس بی‌فروغی است که در فجور، دفن

شده است.

● شب نماد بدی‌ها، و روز نماد خوبی‌هاست.

● آسمان نماد کمال نفس، و زمین تصویرگر هبوط نفس است (خطیب، بی‌تا: ۱۶/۱۵۸۵).

به بیانی دیگر، نفس انسان اگر در روشنایی خوبی‌ها قرار گیرد، همچون خورشیدی

نورانی می‌درخشد و به کمال می‌رسد و در غیر این صورت، پست خواهد شد و در

ظلمت تاریکی گناهان فرو خواهد رفت.

تمامی این گفتار، از مضمون و محتوای الفاظ همین سوره استخراج شده و هیچ تأویل، تقدیر و مجازی در آن نیست تا نیازمند دلیل، شاهد و برهان باشد و در حقیقت، بعضی از آیات این سوره تفسیرکننده بعضی آیات دیگر هستند. برای فهم ساده‌تر این مطالب، خلاصه آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: ارتباط حلقه‌های اول، دوم و سوم سوره شمس

حلقه معنایی اول و دوم	حلقه معنایی سوم
خورشید ﴿الشَّمْسِ﴾	نفس
نور خورشید ﴿ضَحِيهَا﴾	اعتدال نفس ﴿مَا سَوَّيَهَا﴾
ظهور ماه با رفتن خورشید ﴿الْقَمَرَ إِذَا تَلَّيَهَا﴾	خروج نفس از اعتدال
روز ﴿التَّهَارِ﴾	خوبی‌ها ﴿تَقْوِيهَا﴾
روز، تجلی‌بخش خورشید ﴿التَّهَارِ إِذَا جَلَّيَهَا﴾	تزکیه نفس موجب رستگاری ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيَهَا﴾
شب ﴿اللَّيْلِ﴾	بدی‌ها ﴿فُجُورَ﴾
شب، مخفی‌کننده خورشید ﴿اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىهَا﴾	فجور، مخفی‌کننده نفس ﴿قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَهَا﴾
آسمان و آنچه آسمان را بنا کرده ﴿السَّمَاءِ وَمَا بَنَيْهَا﴾	الهام تمامی اسباب کمال بر نفس ﴿فَالْهَمَّهَا... تَقْوِيهَا﴾
زمین و آنچه زمین را گسترانده ﴿الْأَرْضِ وَمَا طَحَّيَهَا﴾	الهام تمامی اسباب هبوط بر نفس ﴿فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا﴾

۳-۶. حلقه معنایی پنجم سوره شمس

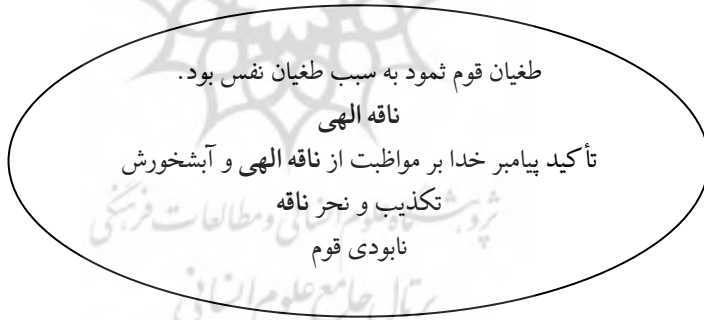
در بخش ابتدایی سوره، تصویری از تقابل اشیاء قابل مشاهده و قابل درک، فراروی مخاطب قرار گرفته و با ایجاد تصویری تمثیل‌گونه، بین خورشید، ماه، شب و روز با نفس انسانی و اعمال خیر و شر، تناسبی زیبا برقرار شده تا این معنا به مخاطب القا شود که ای انسان! همان‌طور که روشنایی روز باعث آشکار شدن خورشید می‌شود، نفس تو نیز اگر تزکیه شود و در نور تقوا قرار گیرد، به فلاح و رستگاری می‌رسد و همان‌طور که شب، مخفی‌کننده خورشید است، اگر نفس تو با فجور و زشتی‌ها همراه شود، در تاریکی گناه دفن می‌شود. ای انسان! هر آنچه موجب سعادت و شقاوت است، در نفس تو جای گرفته و اگر نفس خویش را تزکیه کنی، به کمال خواهی رسید و اگر متمایل به بدی‌ها شدی، هبوط خواهی کرد.

در پایان سوره، برای تکمیل و اثبات این معانی از شیوه بازگشت به گذشته بهره برده

و با همان بیان موجز و حفظ تقابل معنایی الفاظ، مخاطب را متوجه داستانی می‌کند که در گذشته حادث شده و ارتباط معنایی کاملی با محتوای سوره دارد. بیان سرنوشت قوم طغیانگر ثمود، عقوبتی عینی و واقعی است از کسانی که تابع نفس طغیانگر خویش بودند. آنان به سبب طغیانگری نفس، آیات الهی را تکذیب کردند: ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطُغْيَاهَا﴾ (شمس/ ۱۱). ضمیر مؤنث «ها» در این آیه را می‌توان به لفظ «نفس» ارجاع داد تا پیوند معنایی بین دو حلقه معنایی حفظ شود.

بیان این داستان بر محور ناقه‌ای است که حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَام از قوم خویش خواسته بود که آن ناقه را با آبشخورش تنها بگذارند: ﴿فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾ (شمس/ ۱۳)؛ اما قوم سرکش، اعتنایی به این هشدار نکرده و ناقه را به هلاکت رساندند و به همین خاطر، پروردگارشان همه را در هم کوبید و نابود کرد و سرزمین آن‌ها را صاف و مسطح نمود: ﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّيْهَا﴾ (شمس/ ۱۴). محتوای این آیات را نیز در آخرین حلقه معنایی قرار می‌دهیم.

حلقه معنایی پنجم: مضمون آیات ۱۱ تا ۱۵ سوره شمس



۳-۷. ارتباط حلقه پایانی سوره با دیگر حلقه‌ها

داستان نابودی قوم ثمود که در راستای تقویت و باورپذیری بیشتر حلقه محوری این سوره آمده، هشدار و تلنگری است به افرادی که نفس خود را آلوده به فجور می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد ناقه حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَام تمثیلی برای نفس است؛ یعنی همان طور که عدم مواظبت بر ناقه، سبب نابودی طغیانگران شد، هر آن کس که بر نفس خویش مواظبت نکند و نفس خود را در تاریکی فجور قرار دهد نیز قطعاً به همان عقوبت قوم

ثمود گرفتار خواهد شد. برای فهم ساده‌تر، خلاصه مطلب در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: ارتباط حلقه‌های سوم و چهارم سوره شمس

حلقه معنایی پنجم	حلقه معنایی سوم و چهارم
ناقه الهی	نماد نفس اعتدال یافته
آبشخور ناقه ﴿سُقِيَّهَا﴾	حفظ اعتدال نفس در پرتو خوبی‌ها
طغیان نفس ثمودیان، موجب انکارشان شد ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيَّهَا﴾	هشدار برای ضرورت توجه به نفس ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيَّا﴾
دعوت پیامبر قوم ثمود بر مراقبت از ناقه و آبشخورش ﴿نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾	دعوت خداوند بر مواظبت از نفس ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيَّا﴾
قوم ثمود اعتنایی به این هشدار نکردند و ناقه را به هلاکت رساندند ﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا﴾ قوم ثمود به سبب طغیان نفس نابود شدند ﴿فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَدْبُهُمْ فَسَوَّيَّا﴾	هشدار به کسانی که نفس خویش را با گناه آلوده می‌کنند ﴿قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَّا﴾
خداوند از فرجام آن‌ها نمی‌ترسد ﴿لَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾	

۳-۸. ساختار معنایی سوره شمس

همان‌طور که گفته شد، بین این حلقه‌ها یک نوع ارتباط معنایی وجود دارد که گاه در قالب استدلال و گاه تمثیل و تصویرسازی ظاهر می‌شود. ضماین نیز در تقویت این اتصال معنایی و همچنین تفکیک حیظه و گستره دوایر مؤثرند. علاوه بر این، تکرار برخی واژگان مترادف و هم‌معنا باعث تقویت این پیوند می‌شود؛ مثلاً در سه حلقه معنایی، واژه‌های «يَعْسِيَّهَا، دَسَّيَّهَا، دَمْدَمَ» استعمال شده‌اند که هر سه به معنای مخفی کردن و پوشاندن می‌باشند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۴۱/۳). فاعل «يَعْسِيَّهَا» شب است که مخفی‌کننده نور است و فاعل «دَسَّيَّهَا» انسان است که با بی‌توجهی به نفس، موجب دفن شدن و عذاب آن می‌شود و فاعل «دَمْدَمَ» خداوند است که قوم ثمود را به خاطر طغیان و بی‌توجهی به ناقه با خاک یکسان نمود و در زمین مخفی شدند. بین توصیفات که برای خورشید، نفس و ناقه آمده است نیز ارتباط تنگاتنگی مشاهده می‌شود. همچنین بین نورانیت خورشید، تعادل نفس و آبشخور ناقه و عوامل تأثیرگذار بر هر یک از این سه مورد، مشابهت‌هایی وجود دارد که خلاصه آن را می‌توان در جدول زیر مرور کرد.

جدول ۳: ارتباط حلقه‌های سوره شمس

حلقه معنایی اول و دوم	حلقه معنایی سوم و چهارم	حلقه معنایی پنجم
خورشید	نفس	ناقه
نور خورشید	اعتدال نفس (فطرت)	آبخور ناقه
شب، مخفی کننده خورشید	فجور، مخفی کننده نفس	کشتن ناقه، نابودکننده قوم
آسمان	کمال نفس	-
زمین	هبوط نفس	نابودی قوم نمود
هر آنچه در آسمان و زمین است	هر آنچه سبب تقوا و فجور است	-

ساختار تالیفی حلقه‌های معنایی سوره شمس



۴. تناسب معنایی سوره لیل بر اساس حلقه‌های معنایی

محتوای سوره لیل، بیانگر تضادهای رفتاری، فکری، اخلاقی و شخصیتی دو گروه متفاوت از انسان‌های بخشنده و بخیل است. در این سوره، رفتار دنیایی و عقوبت اخروی این دو گروه با بیانی موجز و زیبا به تصویر کشیده شده است. این سوره با سه آیه قسم شروع می‌شود که بیانگر تفاوت عملکرد شب و روز و تمایز دو جنس مذکر و مؤنث است. در جواب این قسم‌ها، بر تفاوت عملکرد و تلاش‌های انسان‌ها تصریح شده و این تمایزات را به شیوه‌های مختلف به تصویر می‌کشد. برای فهم بهتر ارتباط آیات این سوره نیز همان شیوه کشف حلقه‌های معنایی و ارتباطیابی بین آن‌ها را اجرا می‌کنیم.

۴-۱. حلقه معنایی اول سوره لیل

در ابتدای این سوره، خداوند به شبی سوگند یاد می‌کند که ظلمت و تاریکی آن، همه دیدنی‌ها را مخفی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۷) می‌نماید: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ (لیل / ۱). نقطه مقابل شب، روز است که ظاهرکننده و تجلی‌بخش است: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ (لیل / ۲). خداوند پس از بیان این دوگانگی زمانی و تمایز آشکار رفتاری آن، به ایجاد دو جنس متفاوت مذکر و مؤنث قسم یاد کرده و می‌فرماید قسم به هر آنچه مذکر و مؤنث را ایجاد کرد: ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ (لیل / ۳). مضمون این آیه بیانگر تمایز دو آفریده‌ای است که هرچند ماهیت اولیه و نوع خلقت آن‌ها یکسان است، ولی در نهایت به دو نوع متفاوت تبدیل می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۲/۲۰). مصدری یا موصوله بودن «ما»، تفاوتی در معنا ایجاد نمی‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۳۶/۳۰). نقطه اشتراک مضمون این سه آیه، تفاوت آشکاری است که برای همه قابل درک است و می‌توان این سه آیه را در یک دایره معنایی جای داد.

حلقه معنایی اول: مضمون ۳ آیه اول سوره لیل

شب مخفی‌کننده
روز آشکارکننده
خلقت متمایز مذکر و مؤنث

۲-۴. حلقه معنایی دوم سوره لیل

در جواب قسم، خطاب متوجه انسان شده و بر ناهمگونی تلاش و دوگانگی رفتاری انسان‌ها تأکید دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۳/۲۰) و می‌فرماید: ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾ (لیل / ۴)؛ یعنی همانا سعی و تلاش شما انسان‌ها متفاوت و گوناگون است. مضمون و پیام این آیه را می‌توانیم به عنوان محور اصلی سوره در نظر گرفته و ادامه آیات را مصداق بارزی از این تلاش متمایز بدانیم؛ به این صورت که برای اثبات دوگانگی رفتار انسان به تلاش و رفتار متفاوت دو گونه انسان‌های بخیل و بخشنده استناد می‌کند که نگاه متفاوتی نسبت به مال و ثروت دارند. البته خداوند دو فرجام متفاوت را برایشان به تصویر می‌کشد تا مخاطب را نسبت به عاقبت و نتیجه نوع عملکردشان در آخرت آگاه نماید.

حلقه معنایی دوم (محور): مضمون آیه ۴ سوره لیل

دوگانگی رفتار انسان‌ها

۳-۴. حلقه معنایی سوم سوره لیل

خداوند در توصیف انسان‌هایی که تلاش خود را در مسیر بخشندگی و پرهیزگاری قرار داده‌اند، می‌فرماید آن‌ها انفاق‌کنندگانی هستند که در بخشش‌های خود از خدا پروا دارند: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ (لیل / ۵) و وعده حسنای الهی را تصدیق می‌کنند: ﴿وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾ (لیل / ۶). آنان آخرت و رضایت الهی را انتخاب نموده و زندگی راحت و بدون مشقتی دارند: ﴿فَسَيُسِّرُهُ لِيُسْرَى﴾ (لیل / ۷) و این‌ها پرهیزگارترین انسان‌ها هستند که خداوند آن‌ها را از آتشی که زبانه می‌کشد، دور می‌دارد: ﴿وَسَيَجْزِيهَا الْآتِقَى﴾ (لیل / ۱۷)؛ همان کسی که دارایی‌اش را می‌بخشد تا خود را پاک و پیراسته نماید: ﴿الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى﴾ (لیل / ۱۸) و بی‌آنکه کسی از او طلبی داشته باشد، می‌بخشد: ﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى﴾ (لیل / ۱۹). تنها هدفشان جلب رضای پروردگار بزرگ است و پاداش خود را فقط از او طلب می‌کنند: ﴿إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾ (لیل / ۲۰). خدای بخشنده نیز در قیامت به دنبال تحصیل رضایت و راحتی این گروه از بندگان است: ﴿وَلَسَوْفَ يَرْضَى﴾ (لیل / ۲۱). این آیات همگون را که در راستای بیان موضوع واحدی قرار گرفته‌اند، می‌توان در یک حلقه معنایی جای داد.

حلقه معنایی سوم: مضمون آیات ۵ تا ۷ و ۱۷ تا پایان سوره لیل

انسان بخشنده

انفاق کنندگانی پرهیزگار ﴿مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ﴾
 تصدیق کنندگان وعده حسناى الهی ﴿صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ﴾
 مسیری راحت و بدون مشقت ﴿فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْغُسْرَىٰ﴾
 پرهیزگارترینی که دور از عذاب هستند ﴿سَيَجْزِيهَا الْاُنْفَىٰ﴾
 بخشش دارایی برای تزکیه ﴿الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ﴾
 بخشش بدون طلب و منت ﴿مَا لِاِحِدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ﴾
 بخشش فقط برای رضایت پروردگار بزرگ ﴿اِلَّا اِيْتَاءًا وَجْهَ رَبِّهِ الْاَعْلىٰ﴾
 به زودی خشود خواهند شد ﴿وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ﴾

۴-۴. حلقه معنایی چهارم سوره لیل

اما گروه دومی که رفتار آنان در این سوره تحلیل شده، افراد بخیلی هستند که فکر می کنند پول و ثروت، همه مشکلات آنها را حل می نماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ يَخْلُ وَاسْتَعْتَىٰ﴾ (لیل / ۸) و به همین خاطر، همه خوبی ها را تکذیب و انکار می کنند: ﴿وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ﴾ (لیل / ۹). این افراد زندگی سختی دارند و خداوند زندگی سخت تری را به آنها وعید می دهد: ﴿فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْغُسْرَىٰ﴾ (لیل / ۱۰) و به آنان هشدار می دهد که هنگام سقوط به چاه هلاکت و گودال گور، این همه ثروتی که اندوخته اند، به کارشان نخواهد آمد و نمی تواند آنها را از عذاب الهی نجات دهد: ﴿وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ﴾ (لیل / ۱۱). مضمون این آیات نیز در راستای موضوع واحدی قرار گرفته و به معرفی بخل و آثار بخل پرداخته است و می توان محتوای آن را در یک حلقه معنایی جدید جای داد.

حلقه معنایی چهارم: مضمون آیات ۸ تا ۱۱ سوره لیل

انسان بخیل

افراد بخیلی که خود را بی نیاز می دانند ﴿مَنْ يَخْلُ وَاسْتَعْتَىٰ﴾
 تکذیب کنندگان خوبی ها ﴿كَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ﴾
 مسیری سخت و پر مشقت ﴿فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْغُسْرَىٰ﴾
 بیهودگی مال به هنگام هلاکت ﴿وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ﴾

۴-۵. حلقه معنایی پنجم سوره لیل

پس از معرفی دو رویکرد متفاوت افراد نسبت به پول و ثروت، خداوند بر این امر تأکید دارد که بی‌تردید هدایت شما فقط بر عهده ماست: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾ (لیل/۱۲) و به یقین، دنیا و آخرت در سیطره مالکیت ماست: ﴿وَإِن لَّنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ﴾ (لیل/۱۳). خداوند در این آیات، خلق متمایز دنیا و آخرت را به خود نسبت می‌دهد؛ ولی انتخاب هر یک از این دو مسیر را بر عهده مخاطب می‌گذارد. البته برای هشدار به کسانی که همه سعی و تلاش خود را برای رسیدن به دنیا قرار دهند، عقوبت سختی را وعده داده و آن‌ها را از آتشی که زبانه می‌کشد، بیم می‌دهد: ﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ﴾ (لیل/۱۴). افرادی گرفتار این آتش سوزان خواهند شد که فقط دنیا را برگزیده: ﴿لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ﴾ (لیل/۱۵) و آخرت را تکذیب و به آن بی‌توجهی می‌کنند: ﴿الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ﴾ (لیل/۱۶). محتوای این آیات را که بر انحصار هدایت، مالکیت و عقوبت الهی تأکید دارد، در یک حلقه معنایی قرار می‌دهیم.

حلقه معنایی پنجم: مضمون آیات ۱۲ تا ۱۶ سوره لیل

انحصار هدایت بر پروردگار ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾

انحصار مالکیت دنیا و آخرت بر خدا ﴿وَإِن لَّنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ﴾

هشدار به انسان نسبت به عقوبتی سخت ﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ﴾

انحصار آتش سوزان بر شقی‌ترین افراد ﴿لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ﴾

عقوبت سخت تکذیب‌کنندگان و منکران ﴿الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ﴾

۴-۶. ارتباط حلقه‌های معنایی سوره لیل

اکنون وقت آن است که ارتباط بین این حلقه‌های معنایی را بیان نماییم. با توجه به محتوای این سوره که به بیان رفتار دوگانه انسان‌های بخیل و بخشنده می‌پردازد، می‌توانیم آیات ابتدایی این سوره را بر اساس همین تمایز معنا کنیم و تصویر شبی را که حقایق و واقعیت‌ها را در ظلمت و تاریکی خود مخفی نموده است، نماد انسان‌های بخیلی بدانیم که خوبی‌ها را تکذیب می‌کنند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰/۳۳۵). به بیانی ساده‌تر، شیوه و

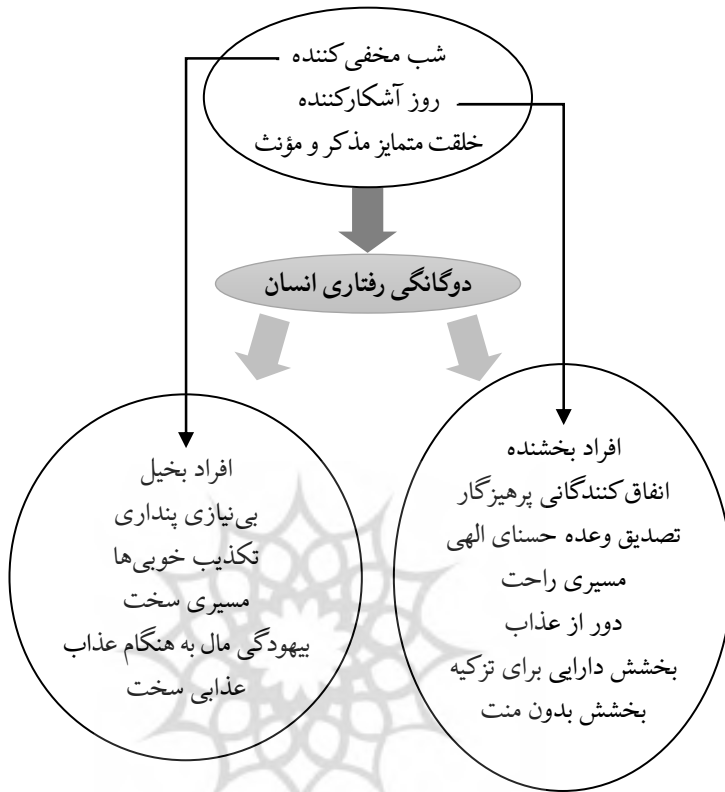
روش زندگی انسان‌های بخیل، به تاریکی و ظلمت شب تشبیه شده است؛ به گونه‌ای که هر دو مخفی‌کننده و تکذیب‌کننده حقایق هستند. همچنین می‌توانیم تصویر روز روشنی را که آشکارکننده حقایق است، نماد انسان‌های بخشنده‌ای بدانیم که همواره تصدیق‌کننده خوبی‌ها و حقایق بوده و به دنبال کسب رضایت الهی می‌باشند و دچار ظلمت و تاریکی تکذیب نمی‌شوند.

تمایز دو جنس مذکر و مؤنث، علی‌رغم اینکه از یک نوع‌اند و منشأ واحدی دارند نیز تصویر قابل فهمی است برای باورپذیری بیشتر تمایزات رفتاری، فکری و روحی انسان‌ها (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۸۲/۳۱؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۳۹۲۱/۶). آیات این سوره در تلاش است تصویر برجسته‌ای از تلاش متمایز انسان‌ها را به نمایش بگذارد تا هر بیننده‌ای با مرور نحوه عملکرد خود، مسیر سعی و تلاش خویش را برگزیند. به همین جهت برای بیدار نمودن انسان و ترغیب او به انتخاب مسیر صحیح زندگی، او را نسبت به نتیجه و پایان مسیر آگاه می‌کند. متوجه نمودن به محسوسات متضاد و رفتار دوگانه شب و روز و تمایز دو جنس مؤنث و مذکر، این باور را در ذهن پرورش می‌دهد که قطعاً نوع عملکرد من نیز می‌تواند آثار متفاوتی به دنبال داشته باشد و قطعاً انتخاب ناصحیح، عقوبتی سخت به دنبال خواهد داشت. برای فهم ساده‌تر این ارتباطات معنایی، خلاصه آن در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۴: ارتباط حلقه‌های سوره لیل

حلقه معنایی اول	حلقه معنایی دوم، سوم و چهارم
الفاظ سوگند	نماد برای
شب ﴿اللَّيْلِ﴾	بخیل ﴿مَنْ بَخِيلٍ﴾
شب مخفی‌کننده ﴿اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾	انسان تکذیب‌کننده ﴿كَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾
روز ﴿النَّهَارِ﴾	بخشنده ﴿مَنْ أَعْطَى﴾
روز آشکارکننده ﴿النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾	انسان تصدیق‌کننده ﴿صَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾
خلقت متمایز مذکر و مؤنث ﴿مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾	تفاوت سعی و تلاش انسان ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾

ساختار تألیفی حلقه‌های معنایی سوره لیل



۷-۴. تناسب واژگان با پیام سوره

تناسب کاملی بین انتخاب و چینش الفاظ سوره لیل با پیام محوری این سوره به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که معنای غالب این الفاظ و جملات، در تقابل و تضاد با یکدیگر قرار گرفته‌اند. این تفاوت الفاظ، بیانگر اختلاف سعی متمایزی است که در جواب قسم بر آن تصریح شده است. برای مشاهده بهتر این تقابل‌های معنایی آن‌ها را در جدول زیر قرار دادیم.

جدول ۵: واژگان متقابل سوره لیل

اللَّيْلُ (شب)	النَّهَارُ (روز)
يُعْشَى (می‌پوشاند)	تَجَلَّى (آشکار می‌کند)
الدَّكْرُ (نر)	الأُنْثَى (ماده)

بَخِلَ (بخل ورزید)	أَعْطَى (بخشید)
كَذَّبَ (تكذیب کرد)	صَدَّقَ (تصدیق کرد)
العُسْرَى (راه سخت و دشواری)	الْيُسْرَى (راه آسانی)
عَلَيْنَا (به ضرر ما)	لَنَا (به نفع ما)
الأُولَى (دنیا)	الْآخِرَةَ (آخرت)
الأَشْقَى (بدبخت‌ترین)	الأَتْقَى (پرهیزگارترین)

نتیجه‌گیری

هر یک از سوره‌های قرآنی از حیطه‌ها و حلقه‌های معنایی متعددی تشکیل شده است و با تفکیک حلقه‌های معنایی می‌توانیم به ارتباط و انسجام متنی سوره برسیم. در هر حلقه، یک یا چند آیه قرار می‌گیرند که معنایی نزدیک و مرتبط با یکدیگر دارند و بیان معنای واحدی را دنبال می‌کنند. پس از تفکیک حلقه‌های معنایی باید به دنبال کشف نحوه چینش و ارتباط بین این حلقه‌ها باشیم.

محتوای سوره شمس در پنج حلقه معنایی جای می‌گیرد. یکی از این حلقه‌ها متضمن معنای محوری و مرکزی سوره است و بر این معنا تأکید دارد که هر کس نفس خویش را تزکیه نماید، به رستگاری رسیده و هر آن کس که نفس را مخفی نماید، حتماً محروم خواهد شد. برای اثبات دو حالت متمایز نفس، از نمادهایی همچون خورشید، ماه، روز، شب، آسمان، زمین و ناچه الهی استفاده شده است.

محتوای سوره لیل نیز قابل تفکیک به پنج حلقه معنایی است که حلقه مرکزی آن بر رفتار دوگانه انسان‌ها تأکید دارد. برای تبیین این مطلب، از تصویرگری تمایز آشکار شب و روز و تفاوت خلقت مذکر و مؤنث یاری گرفته شده است. همچنین با تمثیل به دو گونه رفتار متفاوت انسان‌ها نسبت به مال و ثروت پرداخته و ویژگی‌های انسان‌های بخیل و بخشنده و عقوبت متفاوت آن‌ها را بیان می‌کند تا مثالی باشد برای بیان عاقبت رفتار دوگانه انسان‌ها. می‌توان شب را نماد انسان‌های بخیلی دانست که دارایی خود را مخفی می‌کنند و روز را نماد انسان‌های بخشنده‌ای قرار داد که نعمت‌های الهی را متجلی و آشکار می‌نمایند.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، تفسیر التحریر و التئویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. امرائی، محمدحسن، «تحلیل انسجام غیر ساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا»، فصلنامه ذهن، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۸ ش.
۷. بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۸. توحیدی، امیر، و زهرا صادقی، «استعاره‌های قرآنی از منظر تفسیر و تأویل»، فصلنامه مطالعات نقد ادبی، سال هفتم، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۹. حسینی آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۱۱. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دار الفکر العربی، بی‌تا.
۱۲. دسترنج، فاطمه، و محسن ذوالفقاری، «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش‌گفتاری جان سرل»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. زمانی، محمدحسن، و علی قانع اردکانی، «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»، دو فصلنامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، سال هفتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۵. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الاتقان فی علوم القرآن، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. فراهی، عبدالحمید، امعان فی اقسام القرآن، قاهره، المطبعة السلفیه، ۱۳۴۹ ق.

۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. فلاح، ابراهیم، و سجاد شفیع پور، «گفتمان کاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف»، دوفصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۲۴. کریمی نیا، محمدمهدی، «بررسی اعجاز عددی قرآن کریم از نظر عبدالرزاق نوفل»، دوفصلنامه قرآن و علم، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲۵. گلدزیهر، ایگناس، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سیدناصر طباطبائی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۷. مطوری، علی، «پژوهشی در تفسیر علمی قرآن کریم»، کیهان اندیشه، شماره ۶۵، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. مقیاسی، حسن، و مطهره فرجی، «تناسب ساختار با محتوا با توجه به دو نظریه "نظم" و "آشنایی زدایی" (به محوریت سوره مبارکه "لیل")»، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، چاپ سی و دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۰. نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد بن اسماعیل، اعراب القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ ق.
۳۱. نظری، راضیه، و سیدمحمد موسوی بفرولی، «بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم»، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.